

احمد رضا صدیقی

قریب به نیم قرن پیش در چنین روزهایی، عالم مجاهد و مرجع عالیقدر، مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سیدعلی بهبهانی راهپه‌ری (قده) - که طبق عادت هر ساله در شهر اصفهان به سر می‌برد - طی فتوایی و در پی جنگ‌های شش روزه اعراب و اسرائیل، معامله با یهودیان و هر آنچه موجب تقویت فرقه «صهیونیسم» می‌شود را تحریم نمود. بعد از این واقعه ساواک اصفهان در پی مجموعه‌ای از تحقیقات و در اقدامی عجیب و غیر منتظره، این مرجع کهنسال را به اداره ساواک فراخواند و او را مورد بازجویی قرار داد. این اقدام که در نوع خود عملی نامتعارف و نادر به شمار می‌رفت، حساسیت مردم اصفهان و استان خوزستان را موجب گشت تا جایی که ساواک پس از مدتی کوتاه، ناگزیر از آزادی ایشان شد. در مقاله‌ی که پیش روی دارید، نکاتی درباره این واقعه تاریخی و متن منتشر نشده بازجویی ایشان آمده است. امید آنکه تاریخ پژوهان را مقید و مقبول افتد.

فقید سعید مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید علی بهبهانی راهپه‌ری، از اعلام و مراجع معاصر ساکن در ایران در دوران معاصر به شمار می‌رود که در مناطق جنوبی ایران به ویژه استان خوزستان، نفوذی فراوان داشت. وی از آغازین گام‌های نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، به حمایت از این حرکت دینی و مردمی پرداخت و علیه رژیم شاه، مواضعی قاطع اتخاذ نمود. از سوی دیگر امام خمینی (ره) نیز برای آیت‌الله بهبهانی احترامی بس شایان و بلیغ قائل بود که این امر از مرادوات این دو کاملاً مشهود است. به شهادت اسناد و خاطرات، آیت‌الله بهبهانی در سال ۱۳۴۳ به همراه جمعی از اطرافیان خود به قم سفر کرد و حدود ۱۰ روز، مهمان رهبر کبیر انقلاب بود، امری که کمتر سابقه داشت.

پس از تبعید امام خمینی (ره) نیز آیت‌الله بهبهانی از مبارزات و اهداف ایشان علیه رژیم پهلوی کاملاً پشتیبانی می‌کرد و اقداماتی را برای آزادی زندانیان در بند رژیم سفاک پهلوی انجام می‌داد. در سال ۱۳۴۴ ایشان در خواست گذرنامه برای مسافرت به عتبات عالیات را کردند که رژیم از خوف دیدار ایشان با حضرت امام (ره)، با آن مخالفت کرد.^(۱) در تابستان سال ۱۳۴۵ به تجویز پزشکان آیت‌الله بهبهانی به اصفهان مسافرت می‌کند که مورد استقبال باشکوه مردم و روحانیت قرار می‌گیرد.^(۲) پس از اطلاع ساواک مرکز از ساواک اصفهان درخواست کرد: «با توجه به اینکه نامبرده از طرفداران روحانیون مخالف است، خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به کنترل اعمال و رفتار وی در مدت توقف در آن استان توسط منابع مربوطه و با استفاده از امکانات موجود اقدام کنند.»^(۳) آیت‌الله بهبهانی در سال ۱۳۴۶ با صدور فتوایی جنگ‌ش روز صهیونیست‌ها بر ضد مردم مسلمان و رژیم اشغالگر قدس را محکوم و معامله با یهودیان را تحریم کرد: «باید از هر گونه ارتباط با اسرائیل و عمل آن [یهودیان] خودداری کنند. بر قاطبه مسلمانان لازم است الفت و دوستی و معامله و معاشرت با کفار خاصه اسرائیلی‌ها که جوانان و مسلمانان را به خون می‌کشند و با اشغال متجاوزانه شهرهای مسلمانان را و تهاجم آنان را هتک می‌کنند به کلی ترک و از این راه و هم از طریق کمک و اعانت به آسیب دیدگان مسلمانان که به هر نحو مقدور است انزجار خود را علیه اسرائیل و متجاوزین به حقوق مسلمانان اعلام کنند.»^(۴)

پس از انتشار این اعلامیه کسبه متدین به پیروی از ایشان با معامله با یهودیان خودداری کردند. دو روز پس از انتشار این اعلامیه ساواک درخواست کرد: «اکثر کسبه و بازرگانان شهرستان اصفهان از خرید و فروش با یهودیان خودداری می‌کنند و اخیراً معامله عمده‌ای با کلیهیها صورت نگرفته است.»^(۵)

پس از انتشار اعلامیه ایشان به ساواک احضار شد و مأمور ساواک اصفهان ایشان را بازجویی کردند. مدت شش ساعت، یعنی بعد از نماز ظهر و عصر تا غروب آفتاب آیت‌الله بهبهانی را نگه داشتند. کاری که تا آن موقع نسبت به چنان مقام بزرگ روحانی در اصفهان سابقه نداشت. در جریان بازجویی فشار علمای اعلام و مردم آزاده اصفهان و ترس از شورش مردم آیت‌الله بهبهانی آزاد شد. رژیم پهلوی پس از ناکامی در زندانی ساختن آیت‌الله بهبهانی، فرزند ارشدش حجت‌الاسلام و مسلمان سید عبدالله مجتهدزاده را که نقش مهمی در انتشار اعلامیه آیت‌الله بهبهانی داشت، به اتهام اقدام علیه امنیت کشور در خوزستان بازداشت و پس از چند هفته زندانی سرانجام با قرار وثیقه‌ای سنگین آزاد کرد. در مورد آیت‌الله بهبهانی تحقیقاتی در اصفهان را داشتند، رئیس ساواک اصفهان با این سفر مخالفت کرد،^(۶) لیکن ساواک مرکز از بیم خشم مردم با سفر ایشان موافقت کرد و دستور داد: «اعمال و رفتار وی را در مدت اقامت دقیقاً کنترل کنند و در صورت مشاهده فعالیت مضره‌ای از وی مراتب را اعلام کنند تا تصمیمات لازم گرفته شود.»^(۷)

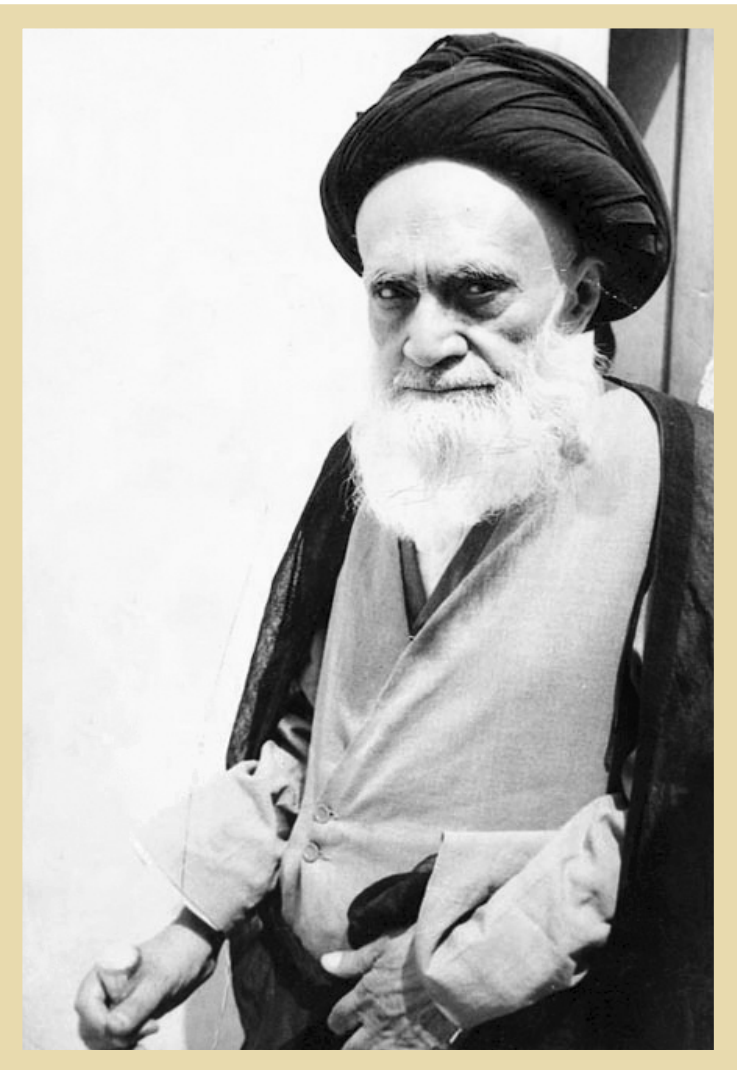
«به منبع آموزش داده شد ساعات تدریس بهبهانی شرکت و ضمن در نظر گرفتن اعمال، رفتار و گفتار نامبرده نتیجه را گزارش کنند.»^(۸)

اولین گزارش‌های ساواک

پس از انتشار اعلامیه آیت‌الله بهبهانی در تحریم معامله با یهودیان، ساواک اصفهان اقدام به ارسال گزارش‌هایی به مافوق خویش کرد که شمهای از آن بدین قرار است: «خبیر اعلامیه‌هایی به امضای آیت‌الله سید علی بهبهانی ساکن که متن آن تحریم رابطه مسلمانان مسلمانان با یهودیان و پشتیبانی از کشورها و اسرائیلی‌ها است. در جنگ خوزستان توزیع شود. خواهشمند است دستور فرمایید چنانچه آن ساواک و اداره اطلاعات شهرستانی محل از چاپ اعلامیه‌های مزبور اطلاعاتی در دست دارند مراتب را اعلام کنند.»

همچنین ساواک اصفهان در مقام پی‌جویی بیشتر ماجرا، به جست‌وجوی بیشتر می‌پردازد و گزارش ذیل را برای دومین بار به مافوق ارسال می‌دارد:

«در مورخه ۱۳۴۶/۵/۴ ساواک اهواز اطلاع حاصل می‌کند که تعدادی اعلامیه چاپی به امضای آیت‌الله میر سید علی



آیت‌الله العظمی سیدعلی بهبهانی راهپه‌ری



قریب به نیم قرن پیش در چنین روزهایی، عالم مجاهد و مرجع عالیقدر، مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سیدعلی بهبهانی راهپه‌ری (قده) - که طبق عادت هر ساله در پی جنگ‌های شش روزه اعراب و اسرائیل، معامله با یهودیان و هر آنچه موجب تقویت فرقه «صهیونیسم» می‌شود را تحریم نمود. بعد از این واقعه ساواک اصفهان در پی مجموعه‌ای از تحقیقات و در اقدامی عجیب و غیر منتظره، این مرجع کهنسال را به اداره ساواک فراخواند و او را مورد بازجویی قرار داد

بازجویی از یک مرجع تقلید ۹۰ ساله در آئینه اسناد منتشر نشده

بازجویی از مرجع تقلید ۹۰ ساله به دلیل اعلام انزجار از اسرائیل

بهبهانی در مغازه کولر فروشی حاج ابراهیم محمدزاده بهبهانی برای توزیع و ارسال به بعضی شهرستان‌های تابعه استان من جمله خرمشهر و آبادان موجود است که بلافاصله به محل عزیمت و اعلامیه‌های مزبور را که در حدود ۳۰۰ برگ بود اخذ و ابراهیم محمدزاده فرزند نصرالله را برای ادای توضیحات به ساواک هدایت و پس از بازجویی همراه با اعلامیه‌های مکشوفه به ساواک آبادان اعزام می‌کند.

متن اعلامیه موصوف پیرامون تشویق مسلمانان به قطع ارتباط با یهودیان^(۱) و حمایت از کشورهای اسلامی که در جنگ با اسرائیل شکست خورده‌اند است. نامبرده در بازجویی اظهار کرد اعلامیه‌ها از اصفهان برای سید عبدالله مجتهدزاده واصل شدند و نامبرده نیز به وسیله شخص ناشناسی در اختیار او گذاشت و تلفنی به وی گفت برای پخش آن از شهرهایی اهواز کسب اجازه خواهد کرد، لیکن تا اخذ اعلامیه‌ها توسط مأمورین اطلاعاتی به وی نرسید و به علاوه یادداشتی به خط مجتهدزاده در بسته اعلامیه‌ها بود که دستور داد برای شهرهای آبادان، خرمشهر، دیلم و ریگ نیز ارسال کند، لیکن هنوز برای هیچ‌یک از شهرهای مزبور ارسال نشده



ساواک اصفهان پس از انجام تحقیقات اولیه، آیت‌الله العظمی بهبهانی را به دفتر خود احضار و ایشان را مورد بازجویی قرار داد؛ امری که تا آن تاریخ بی سابقه می‌نمود و همین رخداد نیز حساسیت و اعتراض اهالی اصفهان و خوزستان را در پی داشت. عوامل ساواک که فضای شهر اصفهان را آماده اعتراض می‌دیدند، به یک بازجویی حداقلی اکتفا و ایشان را مرخص کردند

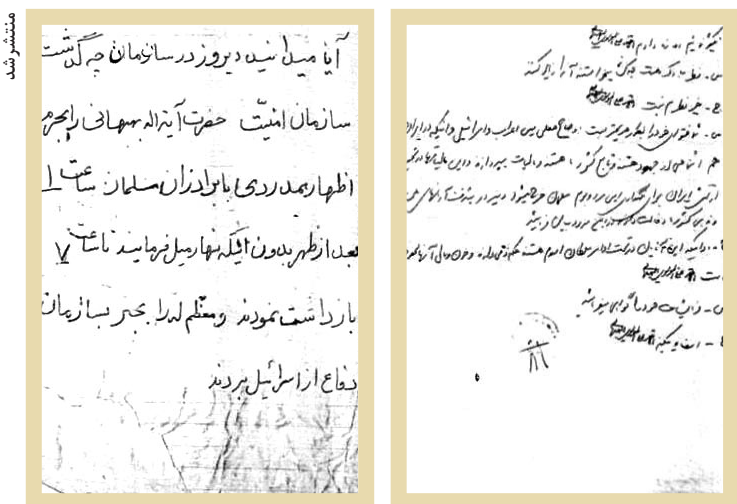
است. از ابراهیم محمدزاده فرزند نصرالله سابقه مضره‌ای در این ساواک موجود نیست، لیکن برابر سابقه موجود است استان من جمله خرمشهر و آبادان موجود است که بلافاصله به محل عزیمت و اعلامیه‌های مزبور را که در حدود ۳۰۰ برگ بود اخذ و ابراهیم محمدزاده فرزند نصرالله را برای ادای توضیحات به ساواک هدایت و پس از بازجویی همراه با اعلامیه‌های مکشوفه به ساواک آبادان اعزام می‌کند.

متن اعلامیه موصوف پیرامون تشویق مسلمانان به قطع ارتباط با یهودیان^(۱) و حمایت از کشورهای اسلامی که در جنگ با اسرائیل شکست خورده‌اند است. نامبرده در بازجویی اظهار کرد اعلامیه‌ها از اصفهان برای سید عبدالله مجتهدزاده واصل شدند و نامبرده نیز به وسیله شخص ناشناسی در اختیار او گذاشت و تلفنی به وی گفت برای پخش آن از شهرهایی اهواز کسب اجازه خواهد کرد، لیکن تا اخذ اعلامیه‌ها توسط مأمورین اطلاعاتی به وی نرسید و به علاوه یادداشتی به خط مجتهدزاده در بسته اعلامیه‌ها بود که دستور داد برای شهرهای آبادان، خرمشهر، دیلم و ریگ نیز ارسال کند، لیکن هنوز برای هیچ‌یک از شهرهای مزبور ارسال نشده

بشماره ذیل ماده ۱۲۵ قانون اصول محاکمات جزا به تصویب آورده می‌شود در بازجویی رعایت قوانین جاریه بفرمایید.

س هویت کامل خود را بیان فرمایید.

ج. نام میر سید علی شهرت موسوی بهبهانی فرزند مرحوم میر سید محمد موسوی دارنده شناسنامه به شماره صادره از راهپه‌ری ۱۳۰۴ یا ۱۳۰۵ قمری محل تولد بهبهان مذهب مسلمان اثنی عشری تابعیت ایران شغل مجتهد و اهل علم دارای عیال به نام زهرا و ۵ نفر اولاد به اسمی حاج سید عبدالله معمم و اهل علم در حال حاضر در خوزستان است و سید جعفر مجتهدزاده در حال حاضر در قم است، ساکن همیشگی در اهواز خیابان سیروس منزل شخصی و در اصفهان پشت مسجد شاه منزل آقای شیخ حواد نجفی. الا حقر علی الموسوی بهبهانی



آیت‌الله العظمی سیدعلی بهبهانی در پاسخ به سؤال ساواک در اصفهان

خاطرات دکتر محمدحسن سالمی در یک نگاه



شاهد توحیدی

اثر تاریخی «یاد» که حاصل نشست‌هایی با دکتر محمدحسن سالمی نواده دختری آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، پدر بزرگ دکتر کاشانی است، توسط نشر سایه و در امریکا روانه بازار نشر شده است. اهمیت این اثر تاریخی در آن است که پاساژهای از آغازین بار در آن بیان شده است. از منظر نگارنده، برخی از این موارد که می‌تواند برای پژوهشگران تاریخی جذاب و دستمایه تحلیل‌های ایشان باشد، به شرح ذیل است: ظاهراً رضاخان سردار سپه در زمانی که ریاست وزرا را به عهده داشت به دیدار آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، پدر بزرگ دکتر سالمی رفت. کسی که در خانه آیت‌الله را به روی او باز کرد، مشهدی جعفر یکی از خدمتکارهای پدر سالمی بود. سردار سپه به او گفت: «برو به آقا یگو رضا آمده!» آیت‌الله، رضا را به جا آورد و گفت: «برو تعارفش کن بیاید داخل!» سردار سپه وارد خانه شد و به آیت‌الله گفت: «انگلیسی‌ها خواسته‌اند شما را دستگیر کنم. فعلاً مقاومت کرده‌ام. ولی اگر پایت را توی کفش من بکنی فوری تحویل می‌دهم.»^(۱)

آیت‌الله کاشانی با جمهوریت مخالف و با خلق قاجاریه موافق بود و به همین دلیل در مجلس مؤسسان به تغییر سلطنت رأی داد. رضاشاه بعدها در باره ایشان گفته بود: «تنها اخوندی که حرفش با مملکت می‌خواند مجتهد کاشانی است.»^(۲)

سالمی نوجوان با دکتر نخبش رئیس گروه



نهیستفتن

خدا پرستان سوسیالیست نزدیک بود و با متضم شدن این گروه به حزب ایران مخالف بوده ولی مخالفت وی کاری از پیش نبرد.^(۳) در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ «در اثر خوشرویی و محبت تقاضایم را پذیرفتند و تأکید کردند هر وقت پرسش‌هاییم به اتمام رسید، یادداشت‌ها را به نظرشان برسانم تا اگر کسر و نقصانی داشت تکمیل سازند، ولی افسوس که آرزوی قبلی نگارنده و آقای صالح تحقق نیافت و قبل از آن که تمام خاطراتشان را جمع کنیم، دیده از جهان فرو بستند و من مغبومم که کاری را که شروع کرده بودم ناتمام باقی گذاشتم.»^(۴)

سید مرتضی مشیر در ادامه دیباچه خویش درباره سوابق علمی، سیاسی و اجتماعی آیت‌الله صالح آورده است: «بعد از گذشتن از آیت‌الله صالح آقا صالح معاون وزارت دارایی شدند و در اواخر سلطنت رضاشاه مورد بی‌مهری قرار گرفتند و از کار کنارگیری کردند.»^(۵)

۲- در سال ۱۳۲۰ مقارن با حمله متفقین به ایران آقای صالح به عنوان مأمور فوق العاده برای برقراری روابط اقتصادی عازم امریکا شدند که در همین زمان رضاشاه از سلطنت مستعفی شد و چندی بعد با سمت وزارت دارایی برای نخستین بار در کابینه قوام السلطنه عضویت یافتند.

۳- در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آقای صالح، سفیر کبیر ایران در امریکا بودند که بلافاصله با وجود اصرار و تقاضاهای شاه و زاهدی از این سمت استعفاء کردند تا به قول خود با مصدق پیمان شکنی نکرده باشند.

۴- در انتخابات دوره بیستم آقای صالح به‌غم مخالفت شاه و دولت وقت به نمایندگی مردم کاشان در مجلس شورای ملی انتخاب شدند که مجلس مذکور بعد از مدت کوتاهی به خاطر وجود ایشان منحل شد، زیرا شاه و زمامداران وقت تاب تحمل انتقادات او را نداشتند.

۵- موارد مذکور تماماً از کتاب «یاد باد» است.

خانه دکتر مصدق تلفن کردم، تلفن قطع بود، صحیح نیست، زیرا دکتر صدیقی نوشته در همان روز به خانه دکتر مصدق تلفن و با او صحبت کرده است.^(۶)

خاطراتی از «اللهیار صالح» در یک نگاه



اثر تاریخی خاطراتی از «اللهیار صالح» که در بردارنده خاطره‌ها و تا گفته‌هایی از منش اوست، برای نخستین بار در سال ۱۳۶۴

به بازار نشر عرضه شد. هم اینک چندی است که چاپ دوم آن نشر یافته است. دکتر سید مرتضی مشیر گردآورنده این اثر، در باب پیشینه تدوین این کتاب در مقدمه آورده است: «سابقه ارادت نگارنده با شادروان اللهیار صالح، بار فادار دکتر محمد مصدق پیش از ۲۰ سال بود و وقتی این ارادت مزید شد که چند سال قبل به ملازمت دوست مشترک آقای حبیب‌الله ذوالقدر، بعد از مدت‌ها خدمت آقای صالح رسیدیم و آنقدر مرحمت کردند که این جلسات تکرار شد و اگر همه هفته به حضورشان نمی‌رسیدیم، سعی می‌کردم هر دو هفته یک بار ایشان را ملاقات کنم و درین آخرین دیدار در روز دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ در حالی اتفاق افتاد که معزی الیه صحیح و سالم بودند، ولی متأسفانه دو روز بعد با احساس کسالتی مختصر و شدت یافتن درد در روز ۱۳۶۰/۸/۱۲ دار فانی را وداع گفتند و عموم دوستداران و علاقه‌مندان را داغدار ساختند.

باری از چندی قبل وقتی دانستم یادداشت‌ها و خاطرات آقای صالح را که جمع‌آوری کرده بودند بر اثر حوادث ۳۰ سال اخیر از بین رفته



نهیستفتن

است، خواهش کردم گاهگاهی که خدمتشان می‌رسد، اجازه دهند پرسش‌هایی کنم و گوشه‌هایی از خاطرات زندگانی‌شان را جويا شوم تا بعداً به انتشار اقدام کنم. ایشان با خوشرویی و محبت تقاضایم را پذیرفتند و تأکید کردند هر وقت پرسش‌هاییم به اتمام رسید، یادداشت‌ها را به نظرشان برسانم تا اگر کسر و نقصانی داشت تکمیل سازند، ولی افسوس که آرزوی قبلی نگارنده و آقای صالح تحقق نیافت و قبل از آن که تمام خاطراتشان را جمع کنیم، دیده از جهان فرو بستند و من مغبومم که کاری را که شروع کرده بودم ناتمام باقی گذاشتم.»^(۷)

سید مرتضی مشیر در ادامه دیباچه خویش درباره سوابق علمی، سیاسی و اجتماعی آیت‌الله صالح آورده است: «بعد از گذشتن از آیت‌الله صالح آقا صالح معاون وزارت دارایی شدند و در اواخر سلطنت رضاشاه مورد بی‌مهری قرار گرفتند و از کار کنارگیری کردند.»^(۸)

۲- در سال ۱۳۲۰ مقارن با حمله متفقین به ایران آقای صالح به عنوان مأمور فوق العاده برای برقراری روابط اقتصادی عازم امریکا شدند که در همین زمان رضاشاه از سلطنت مستعفی شد و چندی بعد با سمت وزارت دارایی برای نخستین بار در کابینه قوام السلطنه عضویت یافتند.

۳- در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آقای صالح، سفیر کبیر ایران در امریکا بودند که بلافاصله با وجود اصرار و تقاضاهای شاه و زاهدی از این سمت استعفاء کردند تا به قول خود با مصدق پیمان شکنی نکرده باشند.

۴- در انتخابات دوره بیستم آقای صالح به‌غم مخالفت شاه و دولت وقت به نمایندگی مردم کاشان در مجلس شورای ملی انتخاب شدند که مجلس مذکور بعد از مدت کوتاهی به خاطر وجود ایشان منحل شد، زیرا شاه و زمامداران وقت تاب تحمل انتقادات او را نداشتند.

۵- موارد مذکور تماماً از کتاب «یاد باد» است.